

گزارش مبارزات کارگران بارانداز خرمشهر

يك تجربه

يك جمعبندي

ب - معين

خودمان را می خواهیم . آواره شدیم . محلی برای زندگی وسکونت نداریم . اکثریچه ها مان از سرما مریض شده اند . آخر چرا حقوق ما را تا حالا نداده اند؟ ما از کجا بیاوریم و بخوریم؟ مگر ما سرمایه داریم؟ ما حقوق خودمان را می خواهیم . سه ماه است که یک قران هم بمانداده اند . از کجا بیاوریم؟

جمعیت همگون می شود . نما یبنده انتخاب می کنند . چند نفر بسرعت انتخاب می شوند . کل جمعیت برای انتخاب " فعال " است . نماینده ها اکثر کارمند ، سرکارگرا سرپرست دسته اند . یکی از نماینده ها هم مدیر سابق " شرکت خدمات کشتیرانی " می باشد که در شرکت استیو دورینگ از نظراداری - مدیریت ادغام شد . از نماینده ها دو نفر کارگر ساده هستند . نماینده ها وارد ساختمان " وزارت کار " می شوند و " بالا " می روند تا خواستهای کارگران را مطرح کنند و حقوق یا جواب " وزارت کار " را به " پائین " بیاورند .

اینان کارگران گمرک بندر خرمشهر (محمره) هستند که اکثر در استخدام شرکت حمل و نقل و باراندازی " استیو دورینگ " می باشند . البته تعدادی از کارگران شرکت " ایران ترمینال " که شرکت مشابه " استیو دورینگ " و " شرکت خدمات کشتیرانی " ، دو شرکت دیگر گمرک هم در میان آنها می باشند . حدوداً ۲ هزار نفر می شوند . البته این جمعیت همه کارگران این سه شرکت حمل و نقل گمرک نیستند . کل کارگران این شرکتها رقمی بیش از ۵ هزار می باشد ولی بقیه بیشتر یا از آمدن اینان بعلت پراکندگی بی اطلاع بوده اند یا مکانات مالی مسافرت از جنوب به تهران رانداشته اند . ماحیان این سه شرکت بغداد قیام بهمین ماه فرار کردند . مدیریت این شرکتها با نظارت نماینده ای که از طرف دولت تعیین شده انجام می گیرد . گویا این نماینده از قیام بهمین تا آذر ۵۹ به بار تغییر کرده ، آخرین نماینده شخصی بنام سازگار است که خودکارمند " وزارت کار " می باشد . کارگران شرکتها " استیو دورینگ " و " ایران ترمینال " در مبارزات سال ۵۷ مردم فعالانه شرکت کرده بودند . بعد از قیام بهمین ماه نیز در تیر - مرداد ۵۸ بخاطر اضافه حقوق و رسمی شدن اقدام به تحصن نموده بودند که بوسیله مدنی عامل سرسپرده و استانداری خوزستان دولت جمهوری اسلامی این تحصن سرکوب و متلاشی می شود .

کارگران در انتظار جواب هستند . با همدیگر گفتگو می کنند . آیا حقوق ما را " وزارت کار " برپا داخت خواهد کرد؟ آیا امروز " وزارت کار " تکلیف ما را روشن می کند؟ لحظات سنگین انتظار ، از یکی

دمیدم
راهی به زندگی است
از مملع وجود
تا مطرح عدم
از نطفه بپاشده ره بازمی شود
از او حکایت دگر آغاز می شود .

" نیما "

آغاز جنگ ارتجاعی دولتهای بورژوازی ایران و عراق سرآغاز فلاکتی دیگر برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان هردو کشور بوده است . ویرانی ، آوارگی ، بیکاری ، گرانی ، سرکوب و فقر بیشتر و شیوع امراض مختلف در میان زحمتکشان و ... آنجیزهایی است که در حین جنگ نصیب طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و عراق گردیده است . جنبران نماینده ای آمدهای جنگ نیز بردوش طبقه کارگر تحمیل خواهد شد . ترمیم خسارتهای وارد شده به زندگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کار دولت و نهادهای بورژوازی نمی باشد ، چرا که این نیادها ، فاقد آن خصلت طبقاتی انقلابی اند که بتوانند جوابگوی خواستها و نیازهای زحمتکشان باشند .

تجربه

روزشنبه ۲۹ آذر

تجمع در جلوی " وزارت کار " آغاز می شود . گروه گروه می آیند . بادستها و باچهره های آشنا با کار ، آشنا با رنج و درد ، آشنا با دربدری خطوط چهره ها و نگاهها حکایت از ناآشنائی با محیط ، سوالات بی شمار ، تردیدها ، ابهامات و ته مانده ای از توهم و توقع از نهادهای دولتی و بت ها . نارسی را با سنگینی خاصی تکلم می کنند ، و وقتی هم که به زبان عربی یا بعضاً کسری صحبت می کنند لغات بی شماری فارسی بکار می برند ، تنها دکمی از آنها فارسی را با صراحت و روشنی صحبت می کنند . صحبت با زبان فارسی بیان خواستهاشان را مشکل می سازد . در میان آنها زنی دیده نمی شود . تعداد جوانان کمتر از ۱۸ سال و پیر مردان من ترا از ۵۵ سال در میان آنها چشمگیر است . سن اکثر آنها بین ۲۵ تا ۴۰ سال میباشد ، هر هکدوری را متوجه خود میسازند . در همه جمع این صداها را بخوبی می توان تشخیص داد : خانه های ما خراب شده . شهرمان داغان شده . زن و بچه های ما چند ماه است که چیزی برای خوردن ندارند . حقوق سه ماهه ما رانداده اند . ما حقوق

را شناسایی کنند و از آنجا بیرون نمایند. با اینکار خود ترس تاریخی خویش را از حرکت کارگران، از پیوند کمونیستها با کارگران و از سازمان یابی مبارزات مطالباتی - طبقاتی طبقه کارگر و زحمتکشان به عیانترین وجهی نشان میدهند.

کارگران هنوز در حال انتظار بر سر میزنند و در مقابل سوال: اگر اینجا هم به ما جواب درستی ندادند چه کار کنیم، سه گرایش از هم قابل تفکیک و تشخیص میشود.

اول اینکه بر میگردیم به شهرهای خودمان و منتظر میمانیم تا چه بشود؟ استدلال این گرایش این بود که چون نمیدانیم جریسات و جواکویی چقدر طول میکشد و چون امکانات و قدرت مالی ما ندن در تهران را بمدت نامحدودی نداریم پس بهتر است به محل های خودمان بر-گردیم و آنچه را که داریم یا قرض کرده ایم با زن و بچه هایمان بخوریم. بعضیها از همان روز شنبه شروع به برکشتن نمودند.

گرایش دوم این بود که از نخست وزیری به شکل راهپیمایی تا جماران نزد خمینی میرویم و در آنجا خواهستهای خود را مطرح مینمائیم. خمینی حتما جواب ما را خواهد داد. این گرایش همچنان در مسیر حرکت بعدی کارگران و تبدیل آن به گرایش مسلط بود.

گرایش سوم به شکل دو بدیل خود را مطرح میکرد. بدیل اول این بود که (کارگران) باید نخست وزیری را با زور اشغال کنیم و آنهایی را که توی ساختمان هستند تنبیه کنیم، و بدیل دوم باین شکل مطرح میشد که ما باید به خیابانهای شهر برویم و تظاهرات کنیم. شعار علیه "دولت" بدهیم و خلاصه حالا که اینها به حرفهایمان گوش نمیدهند ما باید حرفهای خودمان را به مردم بزنیم و "دولت" را افشاء کنیم.

بعد از مدتی نماینده های کارگران از نخست وزیری بیرون میآیند. جواب مشابه جواب "وزارت کار" است. "شما بیخود کردید آمدید اینجا. الان زمان جنگ است، دولت بودجه ای برای شما ندارد. بروید گدایی کنید. شما نمیبایستی اینجا میآمدید و تظاهرات راه می-انداختید" در این موقع جمعیت کارگران

خشمگین میشوند و در حالیکه با صدای بلند شعار یا مرگ یا حقوق را میدادند بطرف درهای ورودی حمله میکنند و با ممانعت از تردد ماشینها رات و آمد را در پارکینگ و خیابانهای اطراف نخست وزیری قطع مینمایند مجددا ترکیب نمابندگی با شرکت تعداد بیشتری از کارگران شکل میگردد و با حمایتی گسه از طرف جمعیت از آنها میشود به ساختمان وارد میشوند و با طرح مجدد خواهستهای خود خواهان آن میشوند که نماینده های خرمشهر در مجلس شورای اسلامی و رئیس مجلس جواکویی خواهستهای آنها باشد. در این هنگام بعضی از افراد گرایش اول شروع به رفتن به شهرهای خود میکنند و افرادی که در این مدت مریض

از آنها دهای دولت بورژوازی بر اذهان کارگران سنگینی میکند.

نماینده ها بعد از مدتی پائین آمدند. خیرها ناخوش بود. خطوط ناراضی و اعتراض در صورت کارگران شکل می گیرد. به نمایندگان گفته بود-دند: " شما بی خود کردید که اینجا آمدید. الان موقع جنگ " و در جواب اینکه ما نان نداریم که بخوریم چکار کنیم؟ به آنها گفته بودند: " بروید گدایی کنید" و جواب به اعتراض نماینده این بود که: " به هرکجا که می خواهید بروید شکایت کنید".

در جمعیت همه می افتد. چی؟؟ همه ما اینها را "بالا" فرستادیم حالا باید از "پائین" برویم "بالا" بعد هم به ما می گویند " بروید گدایی کنید".

بعد از مدتی تصمیم بر این می شود که بروند جلوی نخست وزیری، آنجا هم خواهستهایشان را مطرح کنند و هم شکایت " وزارت کار" را بکنند. یک دسته حدودا سیصد نفری بشکل صف نسبتا منظم بطرف خیابان کاخ حرکت می کند. بقیه جمعیت بشکل گروه گروه، جدا از هم این صف را دنبال می کنند. بدون اینکه شعاری بدهند. کمیت آنها، چقیه ها، شان، و قیافه هایشان تمامی رهگذران را متوجه خود میسازند.

بدون هیچ حادثه ای جمعیت به مقر نخست - وزیری میرسد. تعداد بیشتری از کارگران در نمایندگی دخالت میکنند و مجددا نماینده ها برای "بالا" رفتن خود را آماده میکنند. از ورود آنها ممانعت میشود. فشار جمعیت و هجوم آنها به در ورودی که با شعار " یا مرگ یا حقوق" انجام میگردد، پاسداران و نگهبانان را و میدارد که با کسب اجازه از "بالایی" ها اجازه ورود نمایندگان کارگران و ملاقات با معاونت نخست وزیری را بدهند. البته در این هنگام کارگران بطرف درهای ورودی هجوم میآورند تا کویا جلوی فرار نخست وزیری را بگیرند. از رفت و آمد ماشینها در خیابان پاستور جلوگیری میکنند. چندین نفر هم با دراز کشیدن روی اسفالت و جلوی ماشینها از تردد ماشینها ممانعت میکنند. جمعیت حالت انفجاری بخود گرفته بود. بالاخره موفق میشوند نمایندگان خود را "بالا" بفرستند.

کارگران که به خشم آمده بودند شروع به دادن شعار "یا مرگ یا حقوق" مینمایند. در کنار این شعار متوهمانه و برای جواکویی و خنثی نمودن صحبتهای پاسداران شعارهای "درد بر بنی صدر" و "الله اکبر خمینی رهبر و مرگ بر صدام یزید" نیز میدادند که بعد از شعار "یا مرگ یا حقوق" بیشتر شعار "درد بر بنی - صدر" را میدادند. در زمانیکه کارگران انتظار نمایندگان خود را میکشیدند، پاسدار-انی که لباس شخصی و بعضا لباس پاسداری بر تن داشتند شروع به گشت زدن در میان جمعیت مینمایند که بانگ در قیافه ها، دقت به متن صحبتها و گونه ی صحبت کردن اشخاص و طرز ایستادن افراد، بقول خودشان افراد "مشکوک"

پرتوان تر باد اتحاد کارگران علیه سرمایه داران

شده بودند نیز همراه آنها میروند. جمعیت بعد از بازگشت نماینده ها تصمیم میگیرند که محل را ترک کنند و فردا یکشنبه ۳۰ آذر مجددا در جلوی نخست وزیری تجمع نمایند.

یکشنبه ۳۰ آذر

تجمع از صبح یکشنبه مجددا شروع به شکل گیری مینماید. عده ای به شهرهای خود بازگشته اند و البته تعداد قابل توجهی هم از جنوب آمده اند. در خلال شکل گیری تجمع کارگران برای تازه واردها توضیح میدهند که تا حالا چه کرده اند و چه شده و از "مقامات" چه جوابی گرفته اند؟

علاوه بر اشخاص جدید کارگر تعدادی روشنفکر هم وارد تجمع شده اند. جستجوی پاسداران و حامیان سرمایه امروز شدیدتر میشود. و دنبال تازه واردین میگردند. در این میان دو دختری با که با کارگران صحبت میکردند و از کارگران سوالاتی مینمودند مورد پرسش از طرف پاسداران قرار میگیرند. پاسداران میخواهند کیفهای دستی آنها را بازرسی کنند. دختران اعتراض میکنند و با حمایت کارگران موفق میشوند که از محل تجمع دور شوند. امروز نمایندگان علاوه بر نخست وزیری به مجلس هم میروند و خواستهای خود را مطرح میکنند. در ابتدا به آنها میگویند که رئیس مجلس آقای رفسنجانی مریض هستند. با لافز نمایندگان کارگران موفق به ملاقات رفسنجانی و... میشوند. جواب رئیس مجلس و نماینده خرمشهر و دیگران به آنها این است که: دولت در خزانه یک قران هم ندارد و نمیتواند حقوق شما را پرداخت نماید. اگر میخواهد دولت شما را به اردوگاههای جنگ زندگان در جیرفت، جهرم و... ببرد و در آنجا به شما جیره میدهد.

کارگران امروز دیگر تقریباً از رسیدگی به کارشان توسط نخست وزیری و مجلس نا امید میشوند. تعدادی از آنها عزم برگشتن می کنند ولی کل جمعیت در مجموع حاضر به ترک آنجا نیست و در ضمن برنامه اعزام به اردوگاههای جنگ زندگان را رد می کنند با این استدلال که شرایط زندگی بنا به شرایط زندگی خود کارگران در اردوگاههای جنگ زندگان خیالی مشکل است و حاضر نیستند در زیر چادر، سرما بزاران و آنهم با جیره ای که حتی شکم زن و بچه هایشان را سیر نمی کند زندگی نمایند. می گویند که ما کارگریم و حقوق خواهیم ماکه اسیر جنگی نیستیم. ما در این مملکت کسار میگردیم. ما با کارگر داریم الان حقوق می خواهیم حقوق خودمان را. عده ای هم میگویند که آیا آنها یعنی آقایان نخست وزیر، رفسنجانی، بنی صدر و... حاضرند که خودخواهانه ما را به این شرایط و این شرایطی که هست زندگی کنند؟ اگر آنها راست می گویند ما خانه بدهند. توی ساختمانها می که خالی است و قابل سکونت و با اندازه لازم و کافی پوشاک و خوراک تحویلیمان نمایند.

نمایندگان کارگران با مراجعه به مصوبه مجلس که دولت باید نصف حقوق کارگران و کار-

کنان خود را که کم تر از ۲ هزار تومن و بیشتر از ۲ هزار و پانصد تومن نشود پرداخت نماید، خواهان پرداخت نصف حقوقها برای سه ماه می شوند. این امید بیشتری شود موقعی که کارگران خیردار می شوند که حقوق یکماه کارگران شرکت ایران ترمینال " به این شکل پرداخت شده و اینبار خواست خود را بر پرداخت حقوق خود به این شکل مطرح شده توسط شرکت یا دولت بیان می کنند.

مباحثات نمایندگان کارگران با نخست وزیر بر مبنای طرح این خواست مجددا شروع میشود. در این حین عده ای از کارگران پارچه های سفیدی را که با رنگ سرخ شعارهای " حقوق کامل کارگران پرداخت باید گردد." و " مکانات زندگی برای کارگران و مردم جنگ زده تا مین باید گردد." با امضای کارگران شرکت استیو دورینگ (کمرب خرمشهر) در معرض دید همه کارگران قرار می دهند. ولی با جواب همان است: ما نمی توانیم کارگر بکنیم. دولت یک ریال هم در خزانه ندارد، ما قادر نیستیم حتی یک ریال بشما پرداخت کنیم.

بعضی از کارگران معتقدند که همان موقع یعنی روز یکشنبه بعد از ظهر نزد خمینی بروند چون گویا اومی توانست مسئله را حل کند و از این جریانات آذارات خیر ندارد. ولی در آن روز این درایش نمیتواند سطح شود. جمعیت کم کم پراکنده میشود. تصمیم بر این میشود که فردا جلوی نخست وزیری جمع شوند و از آنجا بشکل راهپیمایی - تظاهرات روانه ای جماران شوند. تا مشکل خویش را در نزد شخصیتی دیگر مطرح نمایند که گویا قادر به حل این معضله سرمایه داری است.

دوشنبه ۱ دی

صبح دوشنبه، تجمع با زهم مجدد کارگران در جلوی نخست وزیری و مجلس ادا مییابد اینبار پس از مباحثات با معاونت نخست وزیری و مجلس مجددا کار آنها به " وزارت کار" محول میشود. و انتظار دیگری در اذهان کارگران شکل میگیرد. انتظار مجددا وزارت کار. قرار میشود که جمعیت کارگران همان موقع بطرف " وزارت کار" بروند. البته اینبار خواست خود را شعار خود کرده و با صدای بلند شعار مرکزی را بگوش مردم میرسانند. در طول خیابان انقلاب اکثر جمعیت از آنها پشتیبانی می کردند و خواست آنها را تا پید می نمودند. پاسداران سرما به نیز بشکل پیاده و سواره در ماشینهای پیکان کمیته سعی در کنترل و جلوگیری از شرکت دیگر مردم در این تظاهرات می کردند. از مهمترین نکات این لحظات نا توانی عناصر مرتجع در برهم زدن این تظاهرات در موقعیکه تظاهرات و راه پیمایی زحمتکشان ممنوع اعلام شده است می باشد. وقتی که به " وزارت کار" میرسند، ابتدا پاسداران سعی در مانع از ورود کارگران به محوطه پشت نرده های " وزارت کار" میکنند. کارگران با هجوم خود پاسداران را بعقب میرانند. یکبار دیگر نماینده ها "بالا" میروند. تا ظهر کارگران آنجا می مانند ولی جواب همان است. اینبار کارگران خشمکین تر شده و شعارهای " وزارت، وزارت جواب کارگر بده، وزارت، خجالت، حقوق کارگر بده"

را با صدای بلند و رسای خود آوای مبارزه خویش
مینمایند. اکثر جمعیت از "وزارت کار" خارج شده
و روانه خیابان میشوند. بالاخره همه جمعیت بحرکت
می آید و بطرف میدان انقلاب حرکت می کند. شعارهای
آنان همان شعارهای صبح بود: "حقوق سه ماهه
خونین شهر پرداخت با یکردند. رجائی، رجائی،
خودت بروکدایی، رجایی، رجایی حقوق کارگر بده"
اکثر افرادی که در مسیر راهپیمایی بودند
از خواست کارگران حمایت میکردند. کم کم عده ای
تظا هر کنندگان کمتر میشود. اکثر کارگران سه
مسافر خانه هایی که در آنجا مستقرند بر میگردند.
تعداد زیادی از مردم به کارگران می پیوندند
از "میدان انقلاب" وارد "خیابان کارگر" می-
شوند. اطراف کارگران افشاکری علیه حاکمیت
شکل میگیرد. از خیابان "کارگر" وارد بولسوار
"کشاورز" میشوند و از بولسوار به خیابان مصدق و از
آنجا بطرف جماران. وقتی به پستهای بازرسی
پاسداران میرسند، پاسداران جلوی حرکت کارگران
را می گیرند و در حالیکه لوله تفنگها را بطرف
کارگران نشانه رفته اند با هجوم کارگران به
عقب رانده می شوند. زنجیرهای مانع را کنار
از جا می کنند. در یکی از پستهای بازرسی سه
کارگران می گویند که خمینی مریض است و نمی-
تواند همه شما را ببیند. شما باید خواسته ها-
یتان را بشکل کتبی بما تحویل دهید، ما سه
خمینی میدهیم تا به آن رسیدگی شود. کارگران
شعار پارچه ای خود را در مدخل پست بازرسی نصب
میکنند و شب را در مسجد جماران به صبح میرسانند.
صبح هم به آنها میگویند که ما به "وزارت کار"
تلفن کردیم و کار شما را در آنجا راه می اندازند.
کارگران را بدون جواب قانع کننده، در روز سه شنبه
در حالت توهم نگه میدارند.

چهارشنبه ۳ دی

صبح چهارشنبه برای چندمین بار کارگران جلوی
"وزارت کار" تجمع می کنند تا شاید معجزه ای
انفاق افتد. یکی از منتخبین کارگران که توانائی
نام دارد و قبلاً مدیر "شرکت خدمات کشتی رانی"
بوده آخرین نتایج را بسمع کارگران می رساند و
می گوید که دولت حاضر شده نصف حقوق را بهمان
شکلی که مجلس تصویب کرده بود بشما بدهد فقط ما
(نماینده ها) منتظر آن هستیم که فتوکپی تصویب-
نامه را ضمیمه فتوکپی کارتهای شناسائی شما
و تقاضای درخواست حقوق نموده به آنها ("وزارت
کار") تحویل دهیم. تا زمان رسیدگی و اقدام، حدود
دو هفته طول می کشد. البته این دو هفته هم کاملاً
معجز نیست و ممکن است بدوماه بکشد پس بهتر است
شما به محلتان برگردید و حقوق شما را در محل هائی
که تعیین میکنیم و در محل هائی که هستید پرداخت
میکنند.

کارگران را بر مبنای مناطقی که
مایلند حقوق خود را در آنجا دریافت
کنند تقسیم میکنند: خلف آباد، شادگان
(فلاحیه)، اهواز (ملا ثانی)، بندر معشور
...

طبق اطلاع موثق کسب شده تا تاریخ
۱۵ دی حقوق کارگران پرداخت نگردیده. علاوه
بر آن از ۲ نفر از افرادی که جزو نمایندگان
بودند تا تاریخ ۱۵ دی خبری نشده است.
تعداد زیادی از کارگران میگویند که دولت
این دو نفر را دستگیر کرده. کارگران
علت دستگیری آنها را برخورد تند با
دولت و "خلقی" بودن آنها میدانند.
هیات نمایندگان در خیابان آزادی یا
پین تر (بطرف میدان آزادی) از "وزارت کار"
دفتر کار گشوده اند تا بعنوان محل
فعالیت جهت گرفتن حقوق کارگران از آن
استفاده نمایند.

جمعیتی

با آغاز جنگ دولتهای ایران و عراق
شهرها و مناطق جنگی توسط مردم تخلیه
کردید. این تخلیه و بیرون رانده شدن مردم
از کاشانهی خود سیل آوارگان جنگ زده
را بدنبال داشت. شکل تشکل اجتماعی
(سامانهی اجتماعی) قبلی مردم از سه
کمیته شد. تجمع و تشکل کارگران و
زحمتکشان در محل کار، محل زندگی کشته
مناسبات اقتصادی - اجتماعی، بورژوازی
گرفته بود از هم پاشیده شد. تشکل اولی
قبلی یعنی محل (و مناسبات) کار کارگران
اینک به توسط جنگی ارتجاعی بشکل دیگر
یعنی بیکاری - آوارگی تقلیل یافته است.
در این تشکل نیز مبارزهی طبقاتی آشکار
و پنهان ادامه یافته. سازمان یابی و
سازماندهی مبارزهی طبقاتی بی تاثیر
از این تشکل ویژه و کیفیت آن نمیشاشد
ناپایداری، موقت و انمود شدن این حالت
(اوضاع جنگی)، پراکندگی حاکم بر این
تشکل و همچنین رقابت موجود ناشی از عدم
کفایت شرایط زیست و تامین مایحتاج زندگی
از خطتهای بارز و مهم این تشکل میباشد.
از آغاز جنگ تا کنون اکثر کارگران
زحمتکشان مناطق جنگی خرمشهر (محمره) آباد
ان، اهواز، سوسنگرد (خفاجیه) و... از کاشانه
بیکار شده و نه شرکتهای صاحب کاران و نه
مجموعهای مربوطه و دولت حقوق آنان را
پرداخت نکرده اند. در شکل اولیهای ناشی
از جنگ - بیکاری - آوارگی - و در شرایط
عدم پرداخت حقوق کارگران - مبارزه
مطالباتی - طبقاتی آنها با سرمایه داران
و دولت بورژوازی شکل میگیرد. توجه به این
مبارزه در وضعیت سیاسی کنونی و در اوضاع
واحوالی که طبقه کارگر در مجموع در
بسر میرد پیش نهاده اولیه برای شرکت فعال
در مبارزات کنونی کارگران و زحمتکشان
و سازمان یابی و سازماندهی اتحادیه ها

برقرار باد اتحاد زحمتکشان ایران و عراق علیه

و سیاسی - کمونیستی آنها میباشد. علاوه بر آنچه بعنوان خصوصیات کیفیت شکل اولیه کارگران در مناطق جنگ زده بیان شد، عوامل دیگری که کیفیت تشکیل اولیه مبارزه کارگران استیو دوریننگ را ضربه پذیرتر نموده بود از انتقال مبارزه آنها از محل تجمع کنونی آنها (مناطق جنوبی) به تهران، ناشی میشود و میتوان شرایط جغرافیایی - طبیعی مانند سرمای تحمل نا پذیر برای کارگران خوزستانی و همچنین ضعف و ضربه پذیر بودن محل تجمع از نظر شرایط زندگی و نداشتن پشتوانه مالی مانند صندوق مالی اعتصاب را نام برد. از خصوصیات دیگر این حرکت کارگران وجود ستم و تضادهای ملی و همچنین روابط خویشاوندی - خونی ماقبل بورژوازی میباشد. اکثر این کارگران، زحمتکشان خلق عرب میباشد. ستم ملی - طبقاتی از رشد و تکامل زبان آنها و همچنین همبانی آن با نهادهای دولتی جلوگیری کرده است بطوریکه بیان خواستههای آنها را مشکل نموده و بصورت مانعی در جهت مقابله با دیوان سالاری (بوروکراسی) و حرافیه های عوامل دولت در وزارت کار، مجلس، نخست - وزیری و... درآمده است. همچنین بخشی از این کارگران منشاء ملی کرد و فارس دارند که این تضاد ملی بشکل گرایش به تجمع گروهی ملی در درون تجمع کلی نمود پیدا میکند و عامل بازدارنده در سازمان یابی (حتی اتحادیه های اولیه) عمل میکند. و نیز وجود روابط خویشاوندی - خونی و قبیلله های باعث تمایل به گروه بندی خویشی - خویشی میشد و از دیگر عوامل منفی در سازمان یابی کارگران بود. عدم وجود تجربه ای غنی سازمان یابی و آغاز اتحادیه های از خصوصیات دیگر مبارزه کارگران استیو دوریننگ میباشد، بطوریکه کارگران حتی نمایی به تشکیل یک کمیته ای ندارند، نشان نمیدادند. بیشتر کارهای اینگونه کمیته ها را گروه بندی ملی و خویشاوندی انجام میداد.

همچنین ناموزونی آگاهی ملی و طبقاتی، اتحادیه های و سوسیالیستی و نیز رسوبات فکری مذهبی و نهادهای توهم نسبت به دولت و پستیها از دیگر خصوصیات کارگران استیو دوریننگ میباشد که در هر لحظه تاثیر خود را بر چگونگی مجموعه حرکت و سازمان یابی آن و عادات آنها گذاشتند. و اما در این حرکت مبارزاتی یگانگی کارگران استیو دوریننگ نتیجه و پی آمد وحدت خود آگاه آنها بدین معنی یعنی زبطه نبود بلکه این حرکت نتیجهی گوشه ای اولیه برای اشتراک عمل کسب کارگران جهت بدست آوردن حقوق پرداخت نشده آنها بود. در این لحظه نفی مشترک کارگران استیو دوریننگ یعنی گرفتن حقوق پرداخت نشده، آنان را بیک اختلاف، بیک اتحاد عمل و اشتراک عمل میکشاند. این شکل کارگران بر مبنای کیفیت اولیه خویش و بر اثر رقابتی که بین

خود کارگران موجود بود مختل میشد و نهایتاً دچار افتراق و پاشیدگی شد اما در طی این مبارزه، کیفیت مبارزه آنها، انست را به رویا رویی با جوانی از نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... نظیر سرمایه داری و جنگ بمنابهی عمل دولتی طبقه سرمایه دار کشانید. کارگران در این مبارزه با رو در روی خود با شرکت کارفرما "وزارت کار"، نخست وزیری و عملکرد دیوان سالاری آنها، پاسداران و شهریارانی، مجلس شورای اسلامی، خمینی، نهادهای دروغ هیات حاکمه و جنگ، عملکرد دولت در مبارزه داشتن کارگران از فعالیت سیاسی و تمسک با نیروهای سیاسی و همچنین رابطه با کمونیستها توانستند به تجربه ای گرانبهر دست یابند. بنابراین نتیجهی واقعی این مبارزات را نه در بدست آوردن حقوق پرداخت نشده بلکه در نضج و تکوین اتحاد آنها باید جستجو نمود. ارزیابی از این عنصر مربوط به مبارزات آینده ای آنها میباشد اما نقطه ی پایانی این مبارزات با شرکت فعال عناصر کمونیستی سازمان یافت و سازماندهی میتواند به نقطه جمع بندی جمعی از ماهیت دولت و وابستگی و پیوستگی نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و سازمان یابی و سازماندهی اتحادیه ها و کمونیستی کارگران تبدیل شود.

او می پرد
به هر دم با نکته ای که در
طنین او بیجاست
پیچیده با طنینش در نکته ای دیگر
کز آن طنین بیجاست
با هر نوای نغزش رازی نهفته را
تعبیر میکند
وز هر نوایش
این نکته گشته فاش
کاین کهنه دستگاه تغییر می کند

نمنا

رفقای هوادار! هموطنان مبارز!

سازمان ما برای پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود احتیاج مبرم به کمکهای مالی شما دارد.
کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به ما برسانید.